



دانش

۲۸



دانش

۲۸

مار بهانه است

افزایش شرکت های کلاهبرداری

شرکت های کاغذی جیب مردم را نشانه گرفتند

الهه فراهانی



تصویر کارتونی

تصویر کارتونی

تصویر کارتونی

بسیار خوبی داشت. آدرس شرکت را نوشتم و به آنجا رفتم. مدیر شرکت گفت ابتدا ۵۰۰ هزار تومان و یک ماه بعد ۳ میلیون تومان به حساب. . . . واریز کنم و سپس زمین را تحویل بگیرم. بعد از تحویل زمین هم قسط هایش را پرداخت کنم. من هم با دیدن شرکت کلاهبرداری بی مروتی افتادم که سه میلیون و پانصد هزار تومان مرا به جیب زده و فرار کردند. یک ماه بعد وقتی برای تحویل زمینم به آنجا رفتم متوجه شدم که شرکت را تخلیه کرده‌اند و . . .

چندی قبل سردمست یک باند کلاهبردار که از طریق فروش موبایل قسطی کلاهبرداری می کرد در دام پلیس گرفتار شد. خوشبختانه این بار شاکیان این پرونده کمی شانس داشتند که سارق پول های‌شان به دام افتاد. اما حالا چگونه پول از دست رفته را پس بگیرند؟

راز فعالیت باند قلابی زمانی فاش شد که زن جوانی به پلیس مراجعه کرد و طی شکایتی به ماموران گفت: شش ماه پیش به دفتر موبایل مراجعه کردم تا یک خط قسطی بخرم. مبلغی به عنوان پیش پرداخت به مدیر شرکت جلوگیری از ورود اشخاص فاقد سرمایه کافی در اقساطم به پایان رسید، خطم قطع شد. به شرکت رفتم تا از آنها بخواهم سند را به نامم بزنند، اما در کمال ناباوری دیدم که شرکت بسته شده و من هیچ آدرس و نشانی از آنها ندارم و . . .

با افزایش این شکایت‌ها، ماموران تحقیقات خود را آغاز کرده و از طریق ردیابی موبایل، این سارق کلاهبردار به دام افتاد. وی بعد از دستگیری به ۳۰ میلیون کلاهبرداری از طریق فروش اقساطی موبایل اعتراف کرد. وی در حالی دستگیر شد که قصد خروج از کشور را داشت. . . .

بسیاری از افراد کلاهبردار بعد از اینکه پول کلانی به جیب می زنند، یک‌باره بار سفر را می بندند و از کشور خارج می شوند تا هیچ وقت دست پلیس به آنها نرسد و شاکیان هم بعد از مدتی پس گرفتن پول های از دست رفته خود را امید واهی می بینند و از پیگیری پرونده متصرف می شوند. به همین خاطر کلاهبرداران هم پس از مدتی که آب‌ها از آسیاب می افتد به ایران برمی گردند تا با پول های باد آورده یک زندگی مجلل فراهم کنند!

هشدار نسبت به کلاهبرداری تحت عنوان

موسسات خیریه

بعضی افراد سودجو و فرصت طلب اخیراً تحت عنوان مجعول و با سوءاستفاده از عناوین برخی

خلاصه گزارش

از قدیم‌الایام تاکنون هرگاه شخص پول دیگری را به نحوی بازپس نمی داد او را کلاهبردار می نامیدند کم کم این لغت به حالتی درآمد که جامعه‌شمول آن عدم پرداخت تعهد و دروغ و بسیاری از مسائل تجاری و حتی اخلاقی را دربرگرفت. حال اینکه کلاهبرداری تعریف خاص خود را در قوانین دارد و تنها کسانی که این گونه جرمی را مرتکب شوند، کلاهبردارند و مجازات این جرم شامل حالشان می شود. در کل به دو دلیل است که شرکت های مختلف اقدام به کلاهبرداری می کنند نخست اقتصاد ناسالم و دوم فرهنگ نادرست ارتباطی مردم با شرکت های مختلف.

موسسات خیریه و شرکت های معتبر ایرانی و خارجی و معرفی خود به عنوان نماینده این موسسات و شرکت های معتبر اقدام به کلاهبرداری از افراد حقیقی و حقوقی شامل مراکز و موسسات خیریه ایرانی و همچنین هموطنان ایرانی می کنند. این افراد با به‌کارگیری شگردهای خاص و ادعای اهدای محصولات کارخانجات شرکت ها و کارخانجات کشور خارجی، با سوءاستفاده از سربزرگ های جعلی و آدرس نمایندگی های رسمی در خارج از ایران با افراد و شرکت های ایرانی مکانبه می نمایند و به بهانه علاقه‌مندی به امور عام المنفعه و خیریه اقدام به فریب و کلاهبرداری مالی از مدیران نهادهای افراد حقیقی می کنند. یکی از شگردهای این افراد کلاهبرداری با سودجو اعلام شماره تلفن کارت های اعتباری موبایل است که بدون ثبت مشخصات خریدار در خارج از ایران قابل تهیه است. این افراد از مخاطبان خود می‌خواهند اطمینان کاذب، زمینه کلاهبرداری این افراد را فراهم می کنند. وزارت امور خارجه ضمن هشدار به افراد حقوقی و حقیقی نسبت به افزایش موارد کلاهبرداری و به‌کارگیری شگردهای فریب دهنده این افراد کلاهبردار سودجو افزود: ضروری است برای حصول اطمینان و قبل از هرگونه همکاری با این افراد مراتب را با مراجع ذی‌ربط به ویژه نمایندگی ایران در کشورهای خارجی هماهنگ کنند.

دکتر محمود صفری نژاد وکیل پایه یک دادگستری در خصوص میزان و مبلغ رسمی مورد نیاز برای ثبت شرکت ها می گوید: اگر یک میلیون ریال را به بیست میلیون هم برسانیم هیچ تفاوتی ندارد. به اقتصاد سالم ضربه زده‌ایم، چون در این میان فقط گروهی که فعالیت اقتصادی سالم داشته و قصد کلاهبرداری ندارند ضربه می‌خورند. همچنین دولت این مبلغ را دریافت نمی‌کند، فقط در فرم مربوطه مورد بحث نوشته می‌شود که به عنوان اینکه شرکت ثبت شده است!

در این میان اشخاصی که قصد تأسیس شرکت را دارند سه دسته هستند، دسته اول اینکه عده‌ای فعالیت اقتصادی سالم داشته و قصد کلاهبرداری ندارند. دسته دوم که از همان ابتدا نیت خیری ندارند و قصد کلاهبرداری و سوءاستفاده از اعتماد مردم را دارند. دسته سوم کسانی هستند که شرکتی را تأسیس کرده و پول‌های مردم را می‌گیرند ولی به دلیل موقعیت اقتصاد ناسالم نمی‌توانند پول را به صاحبان برگردانند. از این رو مجبور به بستن شرکت شده و متواری می‌شوند. دکتر صفری نژاد می‌افزاید: هر جرمی محیط مناسب خودش را می‌خواهد. گردش سرمایه ناسالم مهم‌ترین علت پیدایش جرایم است.

این وکیل دادگستری در ادامه به تعریف قانون کلاهبرداری پرداخته و می‌گوید: کلاهبرداری یعنی توسل به اعمال متقلبانه برای بردن مال غیر.

از قدیم الایام تاکنون هرگاه شخص پول دیگری را به نحوی بازپس نمی‌داد او را کلاهبردار می‌نامیدند کم کم این لغت به حالتی درآمد که جامعه‌شمول آن عدم پرداخت تعهد و دروغ و بسیاری از مسائل تجاری و حتی اخلاقی را دربرگرفت. حال اینکه کلاهبرداری تعریف خاص خود را در قوانین دارد و تنها کسانی که این گونه



خانه

۲۹

دلمه با ماکارونی



جامعه

۳۰

سدی که جهانی شد

من و تامین اجتماعی

علی اکبر قاضی زاده

اینکه چطور ریها شد که من دارای شخصیتی دوگانه در دستگاه تامین اجتماعی شدم، داستان دارد. مهم اینکه شدهام. شدهام و آرزو می‌کنم هیچ تابنده دیگری این طور نشود که من شدم. الان عرض می‌کنم چطور.

من حالا در سازمان تامین اجتماعی دو شخصیت دارم: یکی بیمه‌شوندگای که مدتی است خیال دارد سوابق بیمه‌ای خود را گرد هم آورد. قرار است سابقه‌های پرداخت بیمه من از شعبه‌های مختلف در این شعبه جمع شود تا ببینیم تا چند سال دیگر باید قلم صدتا به یک قاز بزینم تا به افتخار بازنشستگی برسیم. توضیح بدهم؟ می‌دهم:

از سال ۱۳۴۹ روزنامه‌نگاری را شروع کردم. در این مدت در شمار بیشماری از مطبوعات کار کرده‌ام. اما اگر تمام سوابق بیمه‌ای من جمع و تایید شود، شاید به ۱۵ سال برسد. الان شعبه ۱۷ (با شماره پرونده ۱۹۵۸۲۱) سرگرم نامه‌نگاری برای تایید آن ۱۵ سال هست.

عنایت دارید؟ ۳۶ سال کار کرده‌ام و حالا می‌خواهند آن ۱۵ سال را (اگر درست باشد) تایید کنند. آن وقت من باید حالا حالا‌ها کارکنم تا ۳۰سال خدمت من پر شود. گرفتید؟ ۳۶ سال طول کشید تا آن ۱۵ سال را پر کنم. اگر گفتید ۱۵ سال بقیه چقدر باید طول بکشد؟ آفرین.

چند ماه پیش که تلمبه خون من کم آورد و مجاری تست ورزش و اکو و آزمایش هسته‌ای و معاینه و معاینه و نسخه و بقیه گرفتاری‌ها طی شد، اگر گفتید از کدام محل هزینه کردم؟ درست است. تقصیر کسی هم نیست. یعنی هست. اما من که نمیتوانم ناشران پیشین نشریهایی را که در آن کار می‌کردم بقیه کنم که: بیا تاوان بده. می‌توانم؟ دستگاه تامین اجتماعی البته به لحاظ قانونی می‌توانست و بایست آن ناشران محترم را بقیه می‌کرد که: بیمه این کارگران قلم که به‌کار گرفته‌ای با کیست؟

این بود خلاصه شخصیت اول من در سازمان. حالا شخصیت دوم: در سال ۷۶ قرار شد هماهنگی‌ها را در یک سازمان دولتی تدارک کنیم. یعنی تمام مضمون نشریه را جمع آوریم، آن را صفحه‌بندی و آماده کنیم و تحویل آن سازمان دهیم تا خود آن موسسه کار را چاپ و منتشر کند. لابد بابت این کار قراردادی هم بستیم. به موجب این قرارداد پنج درصد کل دستمزد قرارداد نزد آن سازمان دولتی می‌ماند تا برگ مقاصحاسب‌تأمین اجتماعی ارائه شود. اما مشکل اینجاست که سازمان هیچ تعریف و بنمایی برای مثل روزنامه‌نگاری ندارد. مثلاً یک‌بار که از رقم یک‌باری جریمه کله کردم آقای کارشناس گفت: به‌ای ماشین چاپ شما اندازه این ساختمان ارزش داره!

آن قرارداد، خالی از محسنتا هم نبود البته. مثلاً اینکه یک‌باره من صاحب دو عنوان شدم که عمراً نمیتوانستم بشوم: یکی کارفرما و دیگری پیمانکار! مثلاً اگر سینتار پیمانکاران برگزار می‌شد، من می‌توانستم کنار ژان ژاک سیمون مدیرعامل پیمانکار، مدیرعامل شرکتی که بزرگراه‌آشدان را بسازند و پیمانکار سه سیوند ژانو به ژانو بشنیم و پز بدهم. به هر حال من شدم پیمانکار و کار شروع شد.

با من عده‌ای خبرنگار، مترجم، نویسنده، طراح، حرفه‌چین و صفحه‌بند همکاری می‌کردند که بیشتر شاعل و بیمه بودند و مشاور آن موسسه دولتی توصیه کرد برای سهلتر شدن کار بهتر است من بیمه دو نفر را نزد سازمان‌تأمین اجتماعی بر عهده بگیرم؛ کاری که بسیاری از ناشران با من نکردند. اما سال ۸۲ هم همکاری ما با آن سازمان قطع شد. نتیجه این که هر ماه باید می‌رفتم (طی تشریفات فرسانده‌ای) برای آن دو نفر حق بیمه دریافت می‌کردم. با این دلخوشی که اولاً کار خود را ساده می‌کنم و دوم اینکه برای دو همکار سابقه بیمه‌ای فراهم می‌آورم. در سال ۸۲ هم همکاری ما با آن سازمان قطع شد. گریبان ما اما از دست شعبه ۱۳ سازمان گویا خلاصی ندارد.

یکی دو سال اول جریمه‌ها (جریمه) قابل تحمل بود. از سال سوم من حق بیمه را پرداخته و هم جرایم را. تا جایی که امسال (بابت عملکرد سال ۸۱) برای من حدود ۳۵ میلیون ریال حق بیمه و بیمه یکبارگی صادر کرده‌اند! از متصدی کار پرسیدم: آخر من این قدر پول از طرف قرارداد طلبکار نیستم. جواب داد: ما به این کار نظایم که شما چقدر سپرده دارید! حساب کردم کم‌تر که اگر من این ۱۵ میلیون تومان را پرداختم حدود ۱۰ درصد از خالص دریافتی و در حدود چهل درصد از حاصل یک سال زحمت مطبوعاتی یک گروه ۱۰ نفری را دو دستی به سازمانی تقدیم کرده‌ام که قرار است از نظر اجتماعی حمایتگر من باشد.

از سازمان‌تأمین اجتماعی به این بهانه چند پرسش دارم: ■ سازمان قرار نیست عاقبت شغل ما را تعریف کند؟ یعنی قرار نیست عاقبت مشخص شود این شغل با چه معیار و مناسباتی این داشته باشد؟ چند نسل دیگر روزنامه نگار باید وارد بازار کار شوند تا سرانجام پذیریم روزنامه نگاری هم شغلی است مثل بقیه کارها؟ ■ سازمان‌تأمین اجتماعی واقعاً از تمامی پیمانکاران چنین ارقامی را دریافت می‌کند؟ واقعیت دارد که همه پیمانکاران بین ۲۰ تا ۳۵ درصد درآمد خود را تقدیم سازمان می‌کنند. اگر چنین باشد میزان جذب درآمد بیمه‌ای سازمان باید سر به چند تریلیون تومان در ماه برسد. با این اجناس سازمان نباید نگران تأمین مالی و منابع تأمین اعتبارات خود باشد. درست؟

■ لابد می‌دانید که روزنامه نگاران نقش تعیین کننده‌ای در روند فرسایش اطلاع‌رسانی دارند. بسیاری از این روزنامه نگاران اکنون می‌پوشه‌لایه‌ای به مرز کهشسالی رسیده‌اند و برخی از این مرز گذشته‌اند. میتوان با اندکی تحقیق و کمی اغماض ترتیبی داد تا بقیه زندگی آنان مطمئنتر ادامه پیدا کنند.

■ سازمان از کجا به این نتیجه رسیده است که بنمای محاسبه حق بیمه را برای یک قرارداد مطبوعاتی حاکمتر دستمزد بگذارد؟ خیلی دشوار است که کارشناسان شما در این مورد پرس و جو کنند که کدام روزنامه نگار در حد و حدود تحصیل و تجربه خود دستمزد می‌گیرد؟ اصلاً شما مگر به کارکنان نشریه آتیه که من سازمان‌تأمین اجتماعی وابسته است، به اندازه کارشناسان دیگر سازمان حقوق می‌پردازد.

■ سازمان باید وجهه برپویی خود را (مثل تزیین و ظاهر بناهای خود) نیز پیرایش کند؟ معنا و مفهوم «تأمین» تنها در متنگنه گذاشتن عده‌ای نیست.

من خیال ندارم این مبلغ را بپردازم. یعنی ندارم که بپردازم. تهدید کرده‌اند که می‌آیند و از اموال منقول من هرچه دندانگیر باشد بابت این بدهی برمی‌دارند و می‌بیزیند. من حاضرم، اما منطق تأمین اجتماعی با چنین رویه‌هایی نمی‌خواند.